

نگاهی به فرهنگ بیمه در ایران

محمد رضا سلامی

پیشگفتار

انسان موجودی است که به دلیل داشتن صفاتی برجسته از سایر موجودات ممتاز شده است. یکی از اساسی‌ترین وجوه ممیزه انسان، کمال طلبی اوست. از بدو پیدایش بشر بر روی کرهٔ خاکی، او تلاش نموده است با استیلا بر طبیعت و توسعهٔ معارف خویش در دو بعد ذهنی و عینی، شرایط مطلوبی را برای حیات خود و هم‌نوعانش پدید آورد. وجود دانش‌های پیشرفته فنی و شکل‌گیری معارف و فرهنگ‌های توسعه یافته بشری، حاصل قرن‌ها تلاش انسان‌هایی است که با بهره‌گیری از تراوشات فکری و محصولات عینی پیشینیان خود، به بسط معلومات خویش همت گمارده‌اند. بشر اجتماعی الطبع و خردگرا، با درک روابط قانونمند و متقابل موجود بین بخش‌های مختلف حیات و شناسایی راه کارهای دستیابی به شرایط مطلوب، ابداعات ارزشمندی را بوجود آورده است. یکی از این ابداعات که تحقیقاً در حس تعاون و نوع دوستی و تدبیر او ریشه دارد بیمه است.

در این نوشتار در پی آنیم تا پس از بیان مختصری در ضرورت بیمه و کارکردهای مثبت این بخش از فرآورده‌های فکری بشر، از منظر جامعه شناسی به شناسایی فرهنگ بیمه در کشور پردازیم. به این منظور ابتدا عوامل عمده مؤثر بر فرهنگ جامعه ایران را برشمردیم و در تعیین نظرگاه آنها در مورد بیمه به بحث خواهیم پرداخت. آنگاه ماهیت فرهنگ را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان پیشنهادهای خود را در مورد توسعه فرهنگ بیمه در ایران ارایه خواهیم نمود.

گفتار

شاید بتوان مهم‌ترین کارکرد بیمه را در مفهوم «تأمین» جستجو نمود. این مفهوم در بخش‌های مختلف تشکیل دهندهٔ یک جامعه قابل دستیابی است.

صنعت بیمه به سبب مکانیزم پرتوان خود در بعد اقتصادی، علاوه بر فراهم ساختن بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری کلان، اجرای طرح‌های گسترده را در بخش‌های مختلف تسهیل می‌نماید. این صنعت، بخش قابل ملاحظه‌ای از نقدینگی موجود در جامعه را که ممکن است مورد آسیب‌های تورم‌زا گردد، در قالب سیاست‌های تعیین شده در برنامه‌های توسعه سازماندهی می‌نماید. همچنین واحدهای مختلف تولیدی و نیروهای انسانی بواسطه

اجتماعی - آن را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار ساخته است. «رفاه عمومی اصطلاحی است عام که جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود و یکی از مهمترین هدف‌های برنامه رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود»^(۱) بیمه و رشد اقتصادی نسبت به هم رابطه‌ای دو سویه دارند رشد اقتصادی از طریق افزایش مبادلات، ترقی سطح زندگی و توسعه سرمایه‌گذاری موجب پیشرفت بیمه در کشور می‌شود و متقابلاً گسترش و پیشرفت بیمه به بهبود وضع معیشت مردم، ایجاد امنیت و رفاه و حفظ ثروتهای ملی کمک می‌کند. یکی دیگر از مزایای اجتماعی بیمه سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه از محل ذخایر فنی است که تأثیری مستقیم بر رشد

پوشش‌های بیمه، امنیت لازم را برای فعالیت در شرایط مختلف کسب می‌نمایند. پوشش‌های بیمه علاوه بر تضمین بقای سرمایه‌های بکار رفته، اطمینان لازم برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را نیز فراهم می‌سازند. بدین ترتیب بیمه از دو بعد جبران خسارت و صیانت از سرمایه‌های ملی و بعد تأمین مالی و توسعه بازار سرمایه بر توسعه اقتصادی کشور تأثیر می‌گذارد.

اگرچه بیمه در بدو امر پدیده‌ای اقتصادی به نظر می‌رسد، اما این صنعت دارای ابعاد اجتماعی مهمی نیز می‌باشد. به نحوی که تأثیرات اجتماعی آن به ویژه در ایجاد تأمین و رفاه جامعه و حمایت آن از خانواده - به عنوان اساسی‌ترین واحد

و شکوفایی اقتصادی و آبادانی جامعه دارد که در نهایت به رفاه عمومی می‌انجامد.

هرچند بیمه در قرون اخیر به ویژه قرن بیستم به اشکال مختلف ابتدا در اروپا و سپس در کشورهای دیگر بوجود آمده است و بدلیل ساختار خاص خود، ابداعی نوین محسوب می‌شود، ولی انواعی کهن و ابتدایی از بیمه در جوامع دیرینه‌ای مثل مصر، هند، یونان، روم و عرب وجود داشته است که در کتابهای مربوط به بیمه کمابیش بدانها پرداخته شده است.

فعالیت‌های بیمه‌ای در ایران توسط شرکت‌های خارجی آغاز گردید و در سال ۱۳۱۴ با تأسیس شرکت سهامی بیمه ایران فصلی نوین در تاریخ صنعت بیمه کشور رقم زده شد.

علی‌رغم حدود هشتاد سال سابقه فعالیت رسمی بیمه در ایران این صنعت در مقایسه با کشورهای پیشرفته و حتی برخی از کشورهای همجوار از رشد مطلوبی برخوردار نبوده است و به ندرت در خدمت رفاه عمومی و پشتوانه اقتصادی قرار گرفته است. بیمه در کشور ما از ظرفیت بالا و بالقوه‌ای برخوردار می‌باشد که به دلایل مختلف نتوانسته است به جایگاه مطلوب خود دست یابد. بخش قابل ملاحظه‌ای از این ناتوانی به سبب عدم شناخت مردم از بیمه و به عبارت دقیق‌تر فقدان فرهنگ بیمه در جامعه است.

مفهوم فرهنگ

اصطلاح فرهنگ از نظر تنوع مفاهیم و وسعت معانی چنان ابعاد گسترده‌ای یافته است که ارایه یک تعریف جامع و دقیق از آن قدری مشکل می‌نماید. « وسعت قلمرو فرهنگ به گستردگی حیات اجتماعی انسان است و شامل تمامی ذخایر و میراث‌های عینی و ذهنی بشر از آغاز تاکنون می‌باشد. »^(۲) صاحب‌نظرانی بسیار از

حوزه‌های مختلف معارف بشری، متأثر از خاستگاه علمی خود در ارایه برداشتی علمی و تعریفی جامع از مفهوم فرهنگ تلاش نموده‌اند.

از میان تعاریف متعددی که در مورد مفهوم فرهنگ ارائه شده‌اند، تعریف تایلر که در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» آمده است به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است. ادوارد تایلر فرهنگ را مجموعه‌ای پیچیده، شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی می‌داند که فرد به عنوان عضو جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را به عهده دارد.^(۳)

بر اساس این تعریف، فرهنگ هر جامعه به اندازه تاریخ آن جامعه قدمت دارد و این مفهوم گسترده تمامی دستاوردهای جامعه را دربرمی‌گیرد. بدیهی است فرهنگ جامعه به شدت بر رفتارها و کنش‌های اعضای جامعه تأثیر خواهد گذارد. جامعه ایران طی تاریخ پرفراز و نشیب خود همواره با جریان‌های تاریخی متفاوتی مواجه بوده است. این جریانها بر بخشهای مختلف جامعه به ویژه فرهنگ جامعه ایران تأثیرات قابل توجهی را برجای نهاده‌اند. به منظور فهم صحیح عواملی که بر فرهنگ بیمه در جامعه ایران، تأثیرات ساختاری و عمیق ایجاد نموده‌اند، جایگاه بیمه را در سه جریان فرهنگ ملی ایران، شریعت اسلام و عوامل خارجی مؤثر بر بیمه مورد مذاقه و تحلیل قرار می‌دهیم.

بیمه از نظر اسلام

شریعت اسلام به عنوان آخرین دین الهی، به نحو شایسته‌ای نیازهای مختلف فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. اسلام جوهر وجودی انسان را به دو بخش طبیعی و ماوراءطبیعی تقسیم نموده

و بر این اساس به ارایه طریقت سعادت و تعالی و تبیین انحرافها و معاصی می‌پردازد. در این راستا نیازهای انسان نیز در دو گروه نیازهای طبیعی و نیازهای فوق طبیعی قرار گرفته و هر دو گروه در تعالیم الهی اسلام مورد توجه واقع شده‌اند.

اگرچه قرآن کریم به تأمین نیازهای فراطبیعی در مقابل تأمین نیازهای طبیعی اصالت داده است ولی از تأمین نیازهای طبیعی انسان نیز غفلت نورزیده است و در این میان به نحوه تأمین نیازها، توجهی ویژه مبذول نموده است.

انسان موجودی زیستمند است و برای ادامه حیات معنوی و طبیعی خود همواره نیازهایی دارد و برای برآوردن حوایج و تأمین نیازهای خود به تلاش و فعالیت می‌پردازد. در فرایند حیات اجتماعی و در جریان ارتباطات موجود در جوامع بشری، همواره انسانهایی وجود دارند که به دلایل مختلف قادر به تأمین نیازهای خود نیستند. این مسأله موجب پیدایش فاصله‌هایی مشهود بین آنها می‌شود. از آنجا که انسان موجودی مدنی‌الطبع و اجتماعی است، سایر افراد اجتماع به منظور یاری رساندن و امداد به نیازمندان واکنش نشان می‌دهند. اما عکس العمل افراد جامعه نسبت به نیازمندان همیشه کارکردی مثبت ندارد و در موارد بسیاری آسیب‌های جدی را متوجه جامعه می‌سازد. شاید بتوان واکنش انسانها در مقابل انسانهای نیازمند را در دو گروه سازماندهی نمود.

۱- رفع نیاز توأم با ترحم: در این نگرش افراد جامعه به طور مستقیم انسان نیازمند را مورد توجه قرار می‌دهند و با کمکهای ترحم‌آمیز خود تلاش می‌کنند حاجت او را برآورده سازند. این روش رفع نیاز به دلیل عدم سازگاری با شخصیت اجتماعی و کرامت انسان شرایط نامطلوبی

را در بروز عوارض اجتماعی و فردی فراهم می‌سازد. نمونه بارز این نگرش برخورد افراد با متکذیان مستقر در معابر عمومی است.

۲ - رفع نیاز توأم با احترام: نوع دوم واکنش اعضای جامعه در برابر افراد نیازمند، ابداع روش‌های خاصی است که بر اساس آن تدابیر لازم برای حمایت از افراد نیازمند اندیشیده شده است. در این رویکرد اعضای جامعه از آنجا که ممکن است همواره در معرض خطرات و یا آسیب‌های مختلف قرار گیرند، با پرداخت مبالغی اندک به سازمانهای ذیربط، پوششهای حمایتی لازم را برای شرایط بحرانی فراهم می‌سازند. بر این اساس افراد نیازمند احساس می‌کنند رفع نیاز و تأمین موجود، حاصل عمل خود آنهاست و آن را مغایر با شخصیت اجتماعی و کرامت خود تلقی نمی‌نمایند. اسلام تأمین نیازهای بشر را در محور کرامت و سیادت انسان تشریح نموده است و بر اساس انسانشناسی قرآن کریم، تأمین نیازهای جسمی و روحی افراد جامعه انسانی با حفظ عنصر کرامت و احترام مجاز خواهد بود و سایر روش‌های ترحم‌آمیز که موجب دنائت خواهند شد مردود شمرده شده‌اند. بر این اساس پوششهای بیمه که در گروه دوم قرار می‌گیرند مورد توجه و اقبال شریعت مبین اسلام قرار دارند.

بیمه در فرهنگ ملی ایران

قراین موجود در آثار معتبر تاریخی و باستانشناسی به وجود تمدن بزرگ ایران اشاره دارند. این تمدن دارای فرهنگی غنی، روابط اقتصادی و اجتماعی پویا و جایگاه رفیعی در فرایند توسعه جوامع بشری بوده است. شرایط خاص اقلیمی، عبور جاده ابریشم از ایران، وجود حکومت‌های متمرکز و... از جمله زمینه‌هایی بودند که سبب پیدایش روابط خاص و نهادهای اجتماعی سودمند و قرار گرفتن ایران در جایگاهی

برجسته، نسبت به سایر تمدنهای موجود دنیا شدند.

معماری منحصر بفرد، شبکه‌های دسترسی نسبتاً توسعه یافته، وجود ارتشی منظم و شکل‌گیری قوانین مدنی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که ادعای وجود تمدن بزرگ ایران را تأیید می‌کنند. شکل‌گیری تمدن پیشرفته ایران باستان موجب شد تا نیازها و فعالیتهای اعضای جامعه به نحوی کارا سامان یابد. در این تمدن نیازهای مختلف جامعه مورد توجه قرار گرفته و تدابیر لازم برای ارضای آنها اتخاذ می‌شده است. بدیهی است، امنیت مهمترین نیاز مدنیت و از جمله لوازم مهم توسعه است، که در ابعاد روانی، اقتصادی و اجتماعی مطرح خواهد بود. لذا چنین به نظر می‌رسد بیمه نیز که از جمله سیستمهای تأمینی در جامعه است به نحوی مورد توجه سیاست‌گزاران و تلاشگران ایران باستان بوده است. مطالعه و بررسی منابع تاریخی شواهدی به دست می‌دهد که این ادعا را تأیید می‌کند.

در مورد مبدأ دقیق پیدایش بیمه در ایران اسناد معتبری به ثبت نرسیده است. اما بر اساس منابع تاریخی موجود می‌توان ادعا نمود که در طول تاریخ اجتماعی ایران همواره وقایعی ثبت شده‌اند که به بیمه‌های امروزی شباهت دارند. به روایت تاریخ ایران «در همان عهد باستان تاوان دزدی یا تلف حیوان و برخی خسارات ناشی از خشکسالی، مانند ازبین رفتن زمینهای مزروعی، خشک شدن قنوات یا خرابیهای ناشی از سیل و زلزله و قهر طبیعت، از محل خزاین دولتی و یا از طرف حکام ولایات نظر به مالیات و خراجی که می‌گرفتند جبران می‌گردید.»^(۴)

همچنین «در ایران قبل از اسلام مابین اقوام و قبایل ساحلی خلیج فارس و جزایر نشینان خلیج مذکور و اطراف آن،

نوعی قراردادهای ضمانت بوجود آمده بود که بی‌شبهت به بیمه‌های دریایی نیست، و ظاهراً با تشکیل مؤسسات خیریه و به موجب این قراردادهای، تجار و صاحبان کشتی‌ها در رابطه با معاملات بازرگانی، پرداخت قسمتی از خسارات وارده احتمالی در طول سفر دریایی را ضمانت می‌کردند.»^(۵)

در برخی از متون تاریخی ایران شواهدی وجود دارد که در آنها علاوه بر لزوم ایجاد حس معاوضت، تعاون و اشتراک مساعی اعضای جامعه، و الیان حکومتی نیز موظف به اتخاذ سیاستها و تدابیر لازم، به هنگام بروز حوادث و بلایای طبیعی شده‌اند. در تاریخ الرسل و الملوک آمده است: «بدانید پادشاه را بر مردم حقوقی است. همچنان که مردم مملکت را هم بر او حقوقی است. از حقوق مردم بر شهاریار آن است که درباره ایشان مهربانی کند و امور آنان را به عدالت تمشیت دهد و هرگاه دچار بلایای آسمانی و یا زمینی شوند که موجب نقصان غله و کمی محصول گردند، خراجی را که از آنان می‌گرفتند تخفیف دهد و یا به کلی ببخشد و هر وقت به مصیبتی گرفتار آیند که موجب ویرانی آبادی‌ها و ازبین رفتن ثروتشان گردد، آنچه از دستشان رفته است تفویض کند و خسارتشان را جبران کند.»^(۶)

همچنین در آیین مملکت‌داری شاه طهماسب صفوی دستورالعملی برای چگونگی حکومت ذکر شده است. در بند پنجاه و چهارم آن چنین می‌گوید: «چنانچه چیزی گم شود یا به تاراج رود یا دزدان برند، **والیان حکومت وظیفه دارند** آن را پیدا سازند و **إلا خود از عهده برآیند.**»^(۷)

به روایت تاریخ ایران «در قرن سوم هجری مبلغ -/۲,۰۰۰,۰۰۰ درهم از مالیاتها و خراجی که حکام از مردم می‌گرفتند خرج شده است. از این میزان

مبلغ ۳۰,۰۰۰ درهم به منظور رفع خسارات ناشی از طغیان آب رودخانه و خیرات به مستمندان پرداخت شده است.»^(۸)

در بخشی از کتاب تاریخ سیستان اشاره شده است که در سده پنجم هجری و در دوران حکومت غزنویان و سلجوقیان، درباره توزیع خراج آن زمان که میزان آن بیش از سه میلیون درهم بوده است مبلغ چهار هزار درهم برای مرمت و احیای زمینهای کشاورزی که سیلابها آن را کنده باشند کنار می گذاشتند و مبلغی را نیز برای بازسازی خانه‌ها یا ماندگاه‌هایی که بر اثر جاری شدن سیل یا به علتی دیگر ویران می‌گشت، اختصاص می‌دادند.^(۹)

در منابع ادبی منثور و منظوم فارسی نیز آثار قابل ملاحظه‌ای وجود دارند که به توسعه فرهنگ همیاری و تعاون در جامعه ایران همت گمارده و مردم را تشویق به کمک یه یکدیگر کرده‌اند. حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر گرانمایه قرن چهارم هجری در ابیاتی کمک به زیان دیدگان بلایای طبیعی - چون حمله ملخ به کشتزارها - را از خزانه دولت توصیه می‌کند.

گرایدون که باشد زیان از هوا

نباشد کسی بر هوا پادشا

چو جایی بپوشد زمین را ملخ

برد سبزی کشتمندان بشخ

تو از گنج تاوان آن بازده

به کشور زفرموده آوازده

و در ابیاتی دیگر می‌گوید، کسانی

که اموالشان به سرقت رفته است می‌بایست مورد حمایت قرار گیرند و خسارتشان پرداخت شود و این عمل باید در جهت اعتلای انسان و حفظ کرامت او و بدون هیچ منت و سپاسی صورت پذیرد.

وگر بر گذشته زشب چند پاس

بدزدد زدرویش ، دزدی پلاس

به تاوانش دیبا فرستم زگنج

بشویم دل غمگساران زرنج

وگر گوسفندی برند از رمه

به تیره شب و روزگار دمه

یکی اسب پرمايه تاوان دهیم

مبادا که بر وی سپاسی نعیم

تصویری دیگر از این نوع همیاری در مواجهه با مشکلات و بلاها در ابیاتی از اشعار حکیم نظامی گنجوی وجود دارد که انعکاس مناسبات اجتماعی مبتنی بر تعاون مردمان این سرزمین است:

چو عاجز بود یار، یاری کنیم

چو سختی بود ، دستگیری کنیم

ور از ماکسی را زبانی رسد

و از آن رخنه ما را نشانی رسد

برآریمش از کیسه خویش کام

ز سرمایه خود کنیمش تمام

ندارد زماکسی مال بیش

همه راست قسمیم در مال خویش

شماریم خود را همه همسران

نخندیم برگریه دیگران

زدزدان نداریم هرگز هراس

نه در شهر شحنه نه در کوی پاس

امثال و حکم دهخدا نیز گواهی دیگر بر این مدعاست. امثال و پندهای موجود در امثال و حکم، مردم را نسبت به عاقبت اندیشی و اتخاذ تدابیر لازم به هنگام بروز نابسامانی و بحران هشدار می‌دهند، ضرب المثل معروف «**عاقل با اختیار نخواهد هلاک خویش**» نقش خردورزی و عاقبت اندیشی را در سلامت و سعادت انسان بازگو می‌کند.

در دیگر آثار منثور فارسی نیز شواهدی یافت می‌شوند که به مفهوم بیمه اشارت دارند. این موارد که در قالبهای ضرب المثل، پندهای کوتاه و یا داستان سامان یافته‌اند، بر اساس شرایط خاص اجتماعی زمان خود، نیاز به امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی را برای بهسازی شرایط زندگی مطرح نموده‌اند. احمد بهمنیار در اثر معروفش «داستان نامه

بهمنیاری» ضرب المثل‌های اصیل فارسی - که در آن زمان شایع بوده‌اند - را جمع‌آوری نموده است. بسیاری از این ضرب المثل‌ها گواه وجود تدابیر بیمه‌ای در جامعه می‌باشند و از سازگاری باورها و ارزشهای اجتماعی آن دوران با فرهنگ بیمه حکایت دارند.

به نمونه‌هایی از ضرب المثل‌های

داستان نامه بهمنیاری اشاره می‌کنیم:

«**عاقل آنست که اندیشه کند پایان را**»

«**بر باد گره نمی‌توان زد**»

«**هر که بی‌تدبیری کرد سامانی نیافت**»

«**علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد**»

بنا بر مواردی که با رعایت اختصار

ذکر شد و بر اساس دیگر شواهد موجود به این نتیجه می‌رسیم که در فرهنگ ملی ایران همواره مصادیقی وجود داشته‌اند که با ماهیت بیمه‌های امروزی سازگاری دارند و بر اساس نیازها و مقتضیات زمان وارد فرهنگ مردم شده‌اند.

تأثیر عوامل خارجی بر

فرهنگ بیمه در ایران

همانطور که پیشتر اشاره شد،

ترکیب جدید بیمه ابتدا در کشورهای اروپایی شکل گرفت و سپس به کشورهای دیگر سرایت نمود.

در دنیای امروز بنا به دلایلی نظیر

افزایش رقابت جهانی، توسعه تکنولوژی، وقوع انقلاب الکترونیک و اطلاعات، کاهش و حتی حذف فاصله‌ها، فعالیت‌های بشری نمی‌توانند درون مرزها محدود بمانند. تغییرات جهانی و امواج ناشی از تحولات روزافزون مرزهای سیاسی را پشت سرگذاشته و زندگی مردم را در سراسر دنیا متأثر می‌سازند. در این میان فعالیت‌های بیمه‌ای نیز به دلیل مزیت‌های قابل توجه و اقتضای توسعه فعالیت‌ها و پیشرفت‌های صنعتی، کشاورزی و خدمات

و نیاز این بخش‌ها به حمایت‌ها و پوشش‌های تأمینی با سرعت قابل ملاحظه‌ای به زندگی مردم در سراسر دنیا وارد شده است.

توسعه مناسبات کشورهای غربی با ایران خصوصاً در صد سال گذشته شرایط مناسبی را برای گسترش بازار بیمه مهیا ساخت. زیرا پیدایش نهادهای سرمایه‌ای وابسته - که در عرض نهادهای سنتی در حال رشد بودند - تنها زمانی قادر به دوام و استمرار بود که این نهادها - خصوصاً نهادهای اقتصادی - بتوانند خود را از آسیب‌های ممکن حفظ نمایند، و این مصونیت جز در پرتو پوشش‌های بیمه‌ای به معنی امروزی میسر نبود. از این رو با ظهور نهادهای جدید، فرهنگ بیمه نیز روبه رشد گذاشت.

از آغاز فعالیت جدی در زمینه بیمه - سال ۱۳۱۰ - که قانون و نظامنامه ثبت شرکتها در ایران به تصویب رسید، بسیاری از شرکتهای بیمه خارجی منجمله: اینگستراخ، آلیانس، ایگل‌استار، یورکشایر و... اقدام به تأسیس شعبه یا نمایندگی در ایران نمودند.

گسترش فعالیت شرکتهای بیمه خارجی، مسئولان کشور را متوجه ضرورت تأسیس یک شرکت بیمه ایرانی کرد و در شانزدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۴ شرکت سهامی بیمه ایران با سرمایه بیست میلیون ریال توسط دولت تأسیس و فعالیت رسمی خود را از اواسط آبان ماه همان سال آغاز نمود.

از سوی دیگر تغییرات جدی در ساختارهای اقتصادی و روند رو به رشد صنعت نمی‌توانست در ثمرهای معیشتی و باورهای فردی و اجتماعی بی‌تأثیر باشد، با پذیرش نهادهای اقتصادی جدید از سوی مردم، اعتقاد به بیمه نیز به عنوان یکی از ضروریات زندگی اجتماعی در حال پذیرش

بود. با وقوع انقلاب اسلامی نظر به عدم تغییر مسئله بیمه با احکام نورانی اسلام و تأثیر به سزای بیمه در حفظ کرامت انسانی، نظام جمهوری اسلامی نیز در توسعه این بخش از اقتصاد همت گمارد.



با درک مفهوم فرهنگ و بررسی عوامل مؤثر بر ساختار فرهنگ بیمه درک ارتباط و پیوستگی آن با توسعه صنعت بیمه آسان‌تر می‌شود.

فرهنگ به عنوان عاملی اساسی در زندگی انسان فعالیت‌ها و روابط مختلف موجود در جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بدیهی است، با توجه به اهمیت فرهنگ جامعه، در برنامه‌ریزی‌هایی که در سطوح خرد و کلان انجام می‌شوند لزوماً می‌بایست در کنار بررسیها و مطالعاتی که در موضوعات اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شوند به عوامل فرهنگی هم توجه کافی مبذول داشت.

برنامه‌ریزی‌هایی که تا به حال به نام توسعه توسط کارشناسان خارجی یا داخلی و یا با مشارکت دو طرف طی دهه‌های اخیر در کشورهای جهان سوم طراحی و اجرا شده‌اند، کانون توجه خود را معطوف به رشد اقتصادی نموده و عوامل اجتماعی و فرهنگی را مورد غفلت قرار داده‌اند. برنامه‌ریزان مذکور که عمدتاً از صاحب‌نظران علوم اقتصادی می‌باشند، فرهنگ بومی و سنتی را به جهت ایجاد موانعی بر سر راه توسعه، اساساً به عنوان مانع توسعه تلقی می‌کنند و معتقدند فرهنگی که نتواند خود را با هنجارها و ملاکهای حاکم بر این نوع نگرش به توسعه، یعنی آنچه که به مدرنیزاسیون تعبیر شده است سازگار کند، باید از صفحه جامعه زوده شود و فرهنگ نوین مدرنیزاسیون جایگزین آن گردد. این

گروه، فرهنگ سنتی جوامع توسعه نیافته را عامل مهمی در عدم توفیق تلاشهای عوامل توسعه می‌دانند. چراکه برنامه‌ها و طرح‌های آنان با مقاومت عناصر فرهنگی مواجه شده و بسیاری از آنها عقیم مانده‌اند. چرایی این مسأله در بی‌توجهی و عدم انجام مطالعات دقیق و جامع در فرهنگ آن جوامع نهفته است.

در فرهنگ هر جامعه عناصری یافت می‌شوند که در صورت شناسایی و برنامه‌ریزی مناسب، می‌توانند اقدامات توسعه را قرین توفیق سازند و بستر اجتماعی را موافق با نوسازی و تحولات مطلوب سامان دهند. همچنین ممکن است عناصر و ترکیبهای ویژه‌ای نیز در فرهنگ جامعه وجود داشته باشند که در مقابل اقدامات و نوآوریهای توسعه مقاومت کنند و عرصه را بر کارگزاران آن تنگ نمایند. در این صورت نه تنها حصول اهداف توسعه با مانع مواجه می‌شود، بلکه سرمایه‌ها و ظرفیتهای قابل ملاحظه‌ای بدون بهره‌برداری لازم هرز می‌روند. بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی در جریان اقدامات توسعه از دو جهت کلی قابل تأمل است: اول آنکه عدم بررسیها و مطالعات دقیق ویژگیها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، هنگام بروز نوآوریها و برخورد نمودهای توسعه با هنجارها و ارزشهای موجود در جامعه موجب پیدایش تعارضات گوناگونی می‌شود، دوم آنکه بسیاری از عناصر و ترکیبهای فرهنگی که می‌توانند زمینه‌های تحقق برنامه‌های توسعه را قرین توفیق سازند، همچنان ناشناخته باقی می‌مانند و از توان سازنده آنها بهره‌برداری لازم به عمل نمی‌آید.

فرهنگ‌داری ویژگی‌هایی هستند که نشان می‌دهد، قابلیت پذیرش توسعه را دارند. اهم این ویژگیها عبارتند از:

۱- فرهنگ اکتسابی است.

بیمه شناسایی و در برنامه‌ها مورد تقویت قرار گیرند.

۶ - عناصر و ترکیبهای ناسازگار با فرهنگ بیمه شناسایی و در برنامه‌ها مورد توجه واقع شوند.

منابع:

- ۱ - نقش بیمه در افزایش رفاه عمومی و دوام خانواده - علی موسی الرضا - فصلنامه صنعت بیمه شماره ۳۹ پائیز ۱۳۷۴.
- ۲ - گرد شهر با چراغ - دکتر محمود روح الامینی.
- ۳ - زمینه فرهنگ شناسی - دکتر محمود روح الامینی.
- ۴ - جزوه اصول بیمه‌های بازرگانی - دکتر منوچهر فرجادی.
- ۵ - قرارداد بیمه در حقوق اسلامی و ایران - توفیق عرفانی.
- ۶ - تاریخ اجتماعی ایران - جلد ۴ - مرتضی راوندی.
- ۷ - منبع شماره ۶.
- ۸ - تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ترجمه مریم میراحمدی.
- ۹ - تاریخ سیستان - ادmond کلیفورد باسورث.

و تغییرپذیری برخوردار ساخته است. لذا امکان مناسبی برای انجام مطالعات و برنامه‌ریزیهای توسعه فرهنگ بیمه در جامعه وجود دارد. بر این اساس، به منظور دستیابی به اهداف توسعه صنعت بیمه در جامعه توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱ - ابعاد فرهنگی توسعه صنعت بیمه و اهمیت آن در برنامه‌های بلند مدت اقتصادی و اجتماعی روشن شود و مسأله هماهنگی بخش فرهنگی با سایر بخشهای برنامه تعریف و در برنامه‌ریزیها ملحوظ گردد.
- ۲ - تلاش همه جانبه‌ای در جهت درک ظرفیتهای فرهنگی و نقش مذهب، باورها، سنتها، هنر و ... و جایگاه ویژه آنها در توسعه فرهنگ بیمه صورت پذیرد.
- ۳ - مشارکت مردمی اعم از مشارکتهای روانی، اجتماعی، فکری و عملی برای توسعه خدمات بیمه مورد توجه قرار گیرد.
- ۴ - طرحها و پوششهای بیمه‌ای که توسط کارشناسان صنعت بیمه طراحی می‌شوند لزوماً مبتنی بر مطالعات فرهنگی و سازگار با ویژگیهای ساختار فرهنگی جامعه طراحی و ارایه شوند.
- ۵ - عناصر و ترکیبهای سازگار با فرهنگ

- ۲ - فرهنگ محصول تعامل عناصر زیستی، محیطی، تاریخی و روانشناختی است.
 - ۳ - فرهنگ دارای ساخت و سازمان است.
 - ۴ - فرهنگ دارای ابعاد مختلف است.
 - ۵ - فرهنگ واجد جنبه اکمالی و پویایی است.
 - ۶ - فرهنگ تغییر پذیر است.
 - ۷ - پدیده‌ها و ساختهای فرهنگی قابل تحلیل می‌باشند.
 - ۸ - افراد جامعه خود را با فرهنگ سازگار می‌کنند.
 - ۹ - فرهنگ رفتار انسان را مورد تأثیر قرار می‌دهد.
 - ۱۰ - عناصر و ترکیبهای فرهنگی با توجه به ساختار ویژه خود از طریق نمادهایی خاص ظهور می‌کنند.
- بررسی سه عامل مهم شریعت اسلام، فرهنگ ملی و عوامل خارجی - که ساختار فرهنگ جامعه ایران را متأثر ساخته‌اند - نشان می‌دهد که این عوامل با مفهوم و عملکرد بیمه سازگاری دارند. و در صورت ابتناء برنامه‌ریزیهای صنعت بیمه بر مطالعات فرهنگی توسعه صنعت بیمه را تسهیل خواهند نمود. از طرف دیگر فرهنگ به عنوان یکی از مظاهر زندگی انسان دارای ویژگیهایی است که آن را از قابلیت انعطاف